بسم اله الرحمن الرحيم

بخدمت پدر عزيزم خيلي خيلي دعا و سلام مي رسانم و پس از عرض سلام، سلامتي شما از درگاه خداوند متعال خواهان و خواستارم و اميدوارم که در زير سايه امام زمان ( عج ) قرار گرفته باشيد و ثانياً اگر از احوالات اين جانب برادر اصغر سلطاني را خواسته باشيد الحمدالله از طرف خداوند متعال صحيح و سالم هستم و به شما خيلي خيلي دعا و سلام مي رسانم.

به مادرم خيلي دعا و سلام مي رسانم و به مادر بزرگم خيلي خيلي دعا و سلام مي رسانم و به سهراب و مهراب و روح الله و زهرا و معصومه خيلي خيلي دعا و سلام مي رسانم و باري پدر جان شما که نوشته بودي پول گذاشتم آن نرسيد ولي ديگر لازم نيست چون اگر يک موقع لازم باشد به ما مي دهند.

ديگر عرضي ندارم بجز دوري ديدار شما عزيزان و به دايي ها يک به يک خيلي خيلي دعا و سلام و به فريدون دعا و سلام.

نامه پر محبت آميز شما در تاريخ 25/10/63 به دست من رسيد خيلي خوشحال شدم و انشاء الله شما هم خوشحال خواهيد شد و ديگر عرضي نيست بجز دوري ديدار شما عزيزان و دوستان.

خداحافظ از طرف من هيچ موقع ناراحت نباشيد که ممکن است 15 روز ديگر به مرخصي بيائيم خدا نگهدار شما

تاريخ 26/10/63

--------------

اصغر سلطاني يکم شهريور ماه سال 1351 در روستاي سيمين شهرستان بهار از توابع استان همدان و در خانواده اي روستائي و ساده زيست به دنيا آمد.

پدرش آقا نظر راننده بود و از اين طريق با کسب روزي حلال مخارج زندگي را تامين مي کرد. در همه امور زندگي بخصوص در مواقع نبودن پدر، بسيار کمک حال خانواده بود و سعي مي کرد در امورات زندگي سربار ديگران نباشد.

سال 1358 وارد دبستان شد و تحصيلات خود را آغاز کرد. هنوز دانش آموز بود که حمله ناجوانمردانه رژيم بعث عراق به ايران آغاز شد و او نيز همچون ديگر جوانان و نوجوانان کشور درس و تحصيل را رها کرد و با وجود اينکه دانش آموز مقطع دوم راهنمايي بود روانه جبهه هاي نبرد حق عليه باطل شد.

در عمليات هاي مختلف شرکت کرد و همراه با ديگر رزمندگان اسلام حماسه ها آفريد.

سرانجام در 12 آبان ماه سال 1366 در ارتفاعات گامو در منطقه عملياتي بانه بر اثر اصابت ترکش به شهادت رسيد و به ياران و همرزمان شهيدش پيوست.

يادش گرامي و راهش پر رهرو باد.

برچسب ها: اصغر سلطاني , شهداي همدان , نويد شاهد همدا